

عبدالله با صدای ضعیف گفت: هنگامی که وفات یافتیم
 مرا با تابوت به درخانه‌ی ام‌المومنین ببرید و بگویند
 - مگر بن خطاب اجازه می‌خواهد اگر موافقت کرد مرا
 در کنار محبوبم رسول‌الله و برادرش ابوبکر صدیق
 دفن کنید. اگر اجازه نداد مرا به قبرستان مسلمین
 ببرید.

این ستاره تابان اسلام در سن 60/61 سالگی
 در سال 444 میلادی چشم از جهان بست. اما یاد و
 خاطره او هرگز فراموشی نخواهد شد. نور وجودش
 در این دنیا خاموش نشد تا نور ابدی را در
 جوار خداوند پائی دریا بد.

سجده‌ی شیرازی درباره وفات‌های هستی مثل
 حضرت مکر فاروق این طور ستایش می‌کند:

سحبیا مرد کونام غیر هرگز
 مرده آن است که نامش به نیکی نبرد

لازم به ذکر می‌دانیم که حضرت مکر در سال 583/84
 میلادی به دنیا آمده بود. ایشان تقریباً ۱۳ سال
 کوچکتی از رسول خدا و ۱۵ سال کوچکتی از
 حضرت ابوبکر صدیق بودند.

حضرت مکر از بنابر برخی منابع از قدرمندترین
 خلیفه‌ها در میان خلفای راشدین و نیز یکی از بزرگترین
 و تاثیرگذارترین فرمانروایان تمام دنیا و خصوصاً
 مسلمان در تمام طول تاریخ شناخته می‌شود.

زمان خلافت وی ده و نیم سال بود وی سرانجام

۲۱۶ ذی الحجه ۲۳ هجری برابر با ۷ نوامبر ۶۴۴

۶۴۴/ به دست فیروز لؤلؤ ایرانی در مدینه شهادت

علی شریعی مکر و دانشمند بزرگ ایران درباره

حضرت عمر می‌نویسد: «او اعلم اسلام را به یک قدر

بزرگ جهانی بدل کرد و مگر قوی‌ترین امپراتوری‌های

شرق و غرب را شکست و اسلام را بر ایران و

مصر و فلسطین و ... حاکمیت بخشید او وارث

پرتگوه ترین امپراطوری‌ها و سلطنت‌های زمینی شد
 و هم چون یک توده پوسی فقیدی زیست، پیاده
 راه می‌رفت و برخاک می‌خفت، او فرزندی
 را که به شراب خوردن در مله و منگم شد به دست
 خود تازیانه زد، می‌گریست و می‌زد، با سنگفتگی پرسیزند
 چرا می‌گیری؟ پس چرا می‌زنی؟ و وقتی هم در بستر
 مرگ افتاده بود شرط را که با شورای انتخاب
 خلیفه گذاشت، این بود که فرزندان او خلیفه‌الله راه
 که به زهد معروف بود - خلیفه نگینند
 بنا بر دانشنامه بریتانیکا - عمر حاکمی می‌رومند
 سنگتید در برابر متکلفین، پرهیزگار و خشن بود
 اهل سنت به دلیل دادگری و افتد ارگرای او
 احترام ویژه‌ای برای او قائل هستند
 دانشنامه اسلام می‌نویسد - عمر را می‌توان خلیفه‌ای
 نامید که حکم بسیار موثری در تشکیل یک قالب اجتماعی
 و سیاسی به است اسلام داشته است، اما گسترش
 ناگهانی قلمروها اسلام خطراتی را نیز برای آن به دنبال
 داشت. مسائل‌های مختلف و چالش‌های متعددی جامعه
 اسلامی را تهدید می‌کرد مانند رابطه بین الفار و
 مهاجرین، آرزوهای اشراف مکه، بروز حس و حسادت
 بین قاصین و سرزمین‌های جدید مهاجرت امداب
 به این سرزمین‌های وسیع پراکنده شده اند از دولت
 مرکزی مدینه قلین می‌کنند یانه
 حرکت عمر هنگامی که در بستر مرگ بود دستور
 داد شورای را برای تعیین خلیفه بعدی تشکیل شود پس
 از بحث و مناقشه بسیار عثمان بن عفان به خلا
 فی از وی منسوب گردید این در حالی بود که به خلافت
 پس از خودش نیندیشیده بود